

## مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله با استرس در نوجوانان معتاد و بهنجار

سلمان زارعی<sup>۱</sup>، زهرا اسدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۴/۱۲

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله با استرس نوجوانان معتاد و بهنجار انجام شد. **روش:** به منظور انجام پژوهش که از نوع علی-مقایسه‌ای است، برای انتخاب نمونه معتاد از نمونه گیری در دسترس و برای انتخاب نمونه بهنجار (غیر معتاد) از نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بر این اساس ۵۰ نوجوان معتاد و ۵۰ نوجوان غیر معتاد به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. داده‌ها به کمک پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو و پرسشنامه‌ی سبک‌های مقابله‌ای فولکمن و لازاروس گردآوری و با استفاده از شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و تحلیل واریانس چند متغیره تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین نوجوانان معتاد و غیر معتاد در ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد و نمرات نوجوانان معتاد در روان رنجورخویی و سبک مقابله‌ای هیجان محور به طور معناداری بالاتر و در توافق‌پذیری، وجدانی بودن و سبک مقابله‌ای مساله محور پائین‌تر از نوجوانان بهنجار است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش، تدوین برنامه‌های آموزشی-درمانی مناسب به منظور تغییر و اصلاح ویژگی‌های شخصیتی و همچنین آموزش مهارت‌های مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا، می‌تواند گامی موثر در پیشگیری و مهار اعتیاد باشد.

**کلید واژه‌ها:** سبک‌های مقابله‌ای، ویژگی‌های شخصیتی، اعتیاد

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبائی. پست الکترونیک:

salman\_zarei@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد تهران

## مقدمه

روند رو به افزایش مصرف مواد در بین نوجوانان بسیار نگران کننده است، زیرا اکثر نوجوانان که مصرف مواد را در سال‌های اولیه نوجوانی آغاز می‌کنند به مصرف این مواد در سال‌های آینده ادامه می‌دهند که میزان مصرف و مشکلات مرتبط با آن نیز افزایش می‌یابد (محمد خانی، ۱۳۸۵). نوجوانی غالباً بعنوان یک دوره مهم روان‌شناختی توصیف شده است (کازناو و میشل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). در طول نوجوانی افراد، نوعاً با دامنه گسترده‌ای از رفتارها و الگوهای سبک زندگی روبرو می‌شوند. این فرایند بعنوان بخشی از فرایند طبیعی جدایی از والدین، رشد حس خودمختاری و استقلال و ایجاد هویت شخصی برای عملکرد سودمند در دوران بزرگسالی رخ می‌دهد. فشارها و استرس‌های دوران نوجوانی خطرناکی مانند سیگار کشیدن و مصرف مشروبات را افزایش می‌دهند، همچنین نوجوانان ممکن است به مصرف مواد مشغول شوند زیرا مواد برای آنها معنایی از ایجاد مسئولیت مشترک با گروه مرجع خاص، طغیان در برابر اقتدار والدین یا ایجاد هویت فردی شان فراهم می‌کند (دسیمون، موری و لستر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

متأسفانه در دهه اخیر بالغ بر ۶۰ درصد از فضای زندان‌های کشور را معتادان و مجرمین مواد مخدر اشغال نموده و انرژی کشور در بخش‌های گوناگون را مصروف خود ساخته‌اند و همین مساله در بروز ناامنی‌ها بی‌تاثیر نبوده و نیست (پورچناری و گلزاری، ۱۳۸۷). اعتیاد به مواد مخدر، نتیجه مصرف مکرر و مداوم ماده یا مواد تخدیر کننده و روان گردان تا حد گرفتاری شدید به آن است و فرد معتاد احساس می‌کند که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد استفاده از این مواد را ترک و یا میزان آن را کاهش دهد و در صورت ترک آن معمولاً دچار مسمومیت می‌شود. در پزشکی اصطلاحاً به جای اعتیاد معمولاً کلمه وابستگی به مواد به کار می‌رود و معتاد کسی است که از نظر روانی و جسمی به یک ماده مخدر وابستگی دارد (جف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

1. Cazenave & Michel  
2. DeSimone, Murray & Lester  
3. Jaff

سوء مصرف مواد یکی از اختلالات روانی است که علل و عوامل متعدد و متنوعی در شکل‌گیری آن موثرند (وایلی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). پژوهش‌های اخیر بر عوامل خطر ساز و سبب شناسی چندگانه متمرکز شده‌اند. اگرچه روی عامل‌های اجتماعی در گرایش به مواد تأکید بسیار می‌شود اما سوء مصرف می‌تواند با ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های فردی نیز مرتبط باشد (گلانتز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲؛ لوکاسویچ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

برخی از ویژگی‌های خاص شخصیتی باعث می‌شوند تا افراد در موقعیت‌های گوناگون زندگی، رفتارهای سازگارانه و متعادل از خود نشان دهند. داشتن آگاهی و دانش لازم درباره‌ی شخصیت، در پیشگیری یا اقدامات احتمالی در مورد بروز برخی اختلالات و نابسامانی‌های شخصیتی می‌تواند به فرد کمک کند (سروقد، برزگر و بلاغی، ۱۳۹۰). یکی از حوزه‌های آسیب‌شناسی اعتیاد، بررسی رابطه بین سوء مصرف و ویژگی‌های شخصیتی است که بر اساس این جهت‌گیری، وابستگی به مواد به واسطه صفت شخصیتی خاص یا مجموعه‌ای از صفات پدیدار می‌شود (ون دام، جانستز و دبراین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). در این پژوهش، برای بررسی ابعاد شخصیت نوجوانان، از نظریه پنج عامل بزرگ شخصیت کاستا و مک کر<sup>۵</sup> (۱۹۹۲) استفاده شده است. در مدل پنج عامل شخصیت، صفات شخصیتی در پنج مقوله مجزا و غیر همپوش روان‌نژندی، برون‌گرایی<sup>۶</sup>، باز بودن<sup>۷</sup> به تجربه‌ها (گشودگی)، توافق<sup>۸</sup> و وجدانی بودن تقسیم‌بندی می‌شوند. روان‌نژندی، داشتن احساسات منفی همچون ترس، احساس گناه، افسردگی و خشم را در بر می‌گیرد. افراد برون‌گرا اجتماعی، دوستاند دیگران، فعال و اهل گفتگو هستند. افرادی که نسبت به تجربیات گشوده هستند، به تجربه‌های عاطفی درونی توجه دارند، و از نظریات جدید و ارزش‌های

1. Wylie  
2. Glantz  
3. Lukasiewicz  
4. Vandam, Janssens & De Bruyn  
5. Casta & Mccare  
6. extraversion  
7. openness  
8. agreeableness

غیر متعارف لذت می‌برند. ویژگی توافقی، نوع دوستی، احساس همدردی با دیگران و اشتیاق برای کمک به آنها است. در نهایت افرادی که در وجدانی بودن نمره بالایی می‌آورند توانایی کنترل تکانه‌ها و بکارگیری طرح و برنامه در رفتار، سازماندهی و اجرای وظایف خود را دارند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). مطالعاتی که بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت کاستا و مک کری صورت گرفته است حاکی از ارتباط بین صفات شخصیتی و وقوع جرائم مختلف می‌باشد (بلونگین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). پژوهشی که جان، کاسپی، روبینا، موفیت و استوثامر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) بر اساس مدل پنج عاملی انجام دادند نشان داد که پسران ۱۶-۱۴ ساله‌ی مجرم که مرتکب جرائمی چون استفاده از مواد روانگردان و داروهای غیر مجاز شده بودند، در عوامل شخصیتی توافق‌پذیری، وجدانی بودن و گشودگی نمرات پایین‌تر و در برون‌گرایی نمرات بالاتری نسبت به گروه بهنجار کسب کرده بودند. همچنین در یک بررسی بر پایه الگوی سه عاملی آیزنک نشان داده شد، افرادی که مقدار زیادی الکل مصرف می‌کردند، در دو بعد روان رنجورخویی و روان پریش خویی نمرات بالاتری نشان دادند (والتون و رابرتز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

کاردام و کراپیک<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که افراد با روان نژدی بالا در مواجهه با موقعیت‌های تیدگی‌زا از راهبردهای منفعلانه از قبیل اجتناب، خود ملامت‌گری، تفکر آرزومندانه و همچنین شیوه‌های مبتنی بر ستیزه‌جویی بین فردی از قبیل واکنش خصمانه و تخلیه هیجانی استفاده می‌کنند. لذا، سطوح بالاتر روان نژندی به گونه‌ای فزاینده خطر تجربه عواطف منفی را تشدید می‌کند که باعث می‌شود بهزیستی ذهنی افراد کاهش یابد. در بررسی هاوارد و هاوارد<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) و ون‌دام و همکاران (۲۰۰۵) روی دانش آموزان معتاد مشخص شد که بین وابستگی به مواد مخدر با روان نژندی ارتباط

1. Blonigen  
2. John, Caspi, Robina, Moffitt & Stouthamer  
3. Walton & Roberts  
4. Kardum & Krapic  
5. Howard & Howard

مثبت و با گشودگی و وجدانی بودن ارتباط منفی وجود دارد. همچنین بر اساس یافته‌های وناکن، ونلیشات و شولت<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) نیمرخ شخصیتی افراد مبتلا به سوء مصرف مواد با نمرات بسیار پایین در صفات توافق پذیری و وجدانی بودن و نمرات متوسط در برون گرایی، گشودگی و روان نژندی مشخص می شود.

علاوه بر ویژگی های شخصیت، راهبردهایی که افراد جهت مقابله با رویدادهای استرس‌زا به کار می‌برند نیز به عنوان عوامل بر انگیزاننده، تجربه هیجانات مثبت و منفی، بهزیستی ذهنی، رفتاری و هیجانی افراد را به مخاطره می‌اندازند (پکران، گوئتز و تیتز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). بررسی‌ها نشان داده اند که چنانچه نوجوانان به راهبردهای مقابله ای کارآمد مجهز نباشند و توانایی کمی برای درک هیجان های خود و دیگران داشته باشند، در برخورد با استرس ها و بحران های دوران نوجوانی توان کمتری خواهند داشت و مشکلات رفتاری بیشتری را به صورت پرخاشگری، افسردگی و اضطراب نشان خواهند داد (الگار، آرلت و گراوز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ ترینداد و جانسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). همانگونه که ذکر شد نوجوانان در معرض عوامل استرس‌زای زیادی قرار دارند که مقابله مناسب با این عوامل می تواند در ارتقاء سلامت آنان تاثیر زیادی داشته باشد. لازاروس و فولکمن<sup>۵</sup> (۱۹۸۴) استرس را به عنوان یک رابطه پویا و دو طرفه بین شخص و محیط تعریف می کنند. آنها سبک های مقابله با استرس را به دو دسته کلی مساله محور و هیجان محور تقسیم می کنند و مطرح می کنند که افراد از هر دو نوع سبک مقابله در مواجهه با موقعیت ها استفاده می کنند. مقابله‌ای که فشارهای هیجانی را تسکین می‌دهد به عنوان هیجان محور و مقابله ای که در آن فرد تلاش می کند تا عوامل به وجود آورنده این فشارهای هیجانی را تغییر دهد به عنوان مقابله مساله محور تعریف می‌شود (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴، به نقل از کولینز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). استفاده از سبک مقابله اجتنابی، از سبک های مقابله هیجان محور با سطح بالایی از استرس

1. Van Aken, Van Lieshout & Scholte
2. Pekrun, Goetz & Titz
3. Elgar, Arlett & Groves
4. Trinidad & Johnson
5. Lazarus & Folkman
6. Collins

و فشار روانی و استفاده از سبک مقابله حل مساله از سبک‌های مقابله مساله محور با سطح پایینی از استرس و فشار روانی همراه است (آلدوین و رونسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۷).

به طور کلی مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از سبک‌های هیجان محور در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا با سطح بالایی از فشار روانی همراه است، در حالیکه استفاده از روش‌های مساله محور با سطح پایینی از استرس و فشار روانی همراه می‌باشد (فلتون<sup>۲</sup> و رونسون، ۲۰۰۴؛ استتون، تنن، افلک و مندولا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

راهبردهایی که فرد برای مقابله بر می‌گزیند، بخشی از نیمرخ آسیب‌پذیری وی به شمار می‌روند. به کار بردن راهبردهای نامناسب در رویارویی با عوامل فشارزا می‌تواند موجب افزایش مشکلات گردد، در حالی که راهبردهای درست مقابله‌ای می‌تواند پیامدهای سودمندی در پی داشته باشد (بن ژور و رشف<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). در همین راستا اندا، جاویدی، جفورد، کوموروسکی و یانزال<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) افزایش بی‌شمار نوجوانانی که به اعتیاد و سوء مصرف مواد روی می‌آورند را به عنوان شاهدهی از فشارهای روانی فزاینده و ناکارآمد بودن راهبردهای مقابله با استرس آنان در برخورد با این فشارها می‌دانند زیرا براساس برخی پژوهش‌ها مصرف مواد نوعی راهبرد مقابله‌ای به شمار می‌رود (هانا و نیکولا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). معتادان به طور کلی از کمبود مهارت‌های مقابله‌ای مناسب در مقابل حل مسائل و مشکلات خود رنج می‌برند، مهارت‌های مقابله‌ای معتادان عمدتاً عبارتند از: اجتناب، حل فوری مشکل با کمترین تفکر در مورد پیامد آن و رفتارهای پرخاشگرانه (اسمعیلی، ۱۳۸۴؛ ارجی، ۱۳۸۷). مطالعات نشان می‌دهند افرادی که وابستگی به مواد دارند برای مقابله با فشارها و استرس‌های ناشی از محیط بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای هیجان محور استفاده می‌کنند تا سبک‌های مقابله‌ای مساله محور (فرگوسن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). بر این اساس

1. Akdwin & Revenson
2. Felton
3. Stanton, Tenen, Affleck & Mendola
4. Ben - Zur & Reshef
5. Anda, Javidi, Jefford, Komorowski & Yanezal
6. Hannah & Nicola
7. Ferguson

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی و مقایسه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله با استرس نوجوانان پسر معتاد و غیر معتاد شهر پاکدشت بود.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه معتاد مورد مطالعه معتادین پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله‌ای بود که در فاصله زمانی دی ماه سال ۱۳۸۹ تا شهریور ماه سال ۹۰ به یکی از کلینیک‌های شهر پاکدشت مراجعه کردند. همچنین جامعه نوجوانان غیر معتاد شامل دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ ساله دبیرستان‌های شهر پاکدشت بودند که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به تحصیل اشتغال داشتند. نمونه آماری در این پژوهش تعداد ۵۰ نوجوان معتاد و ۵۰ نوجوان غیر معتاد شهر پاکدشت بود. برای انتخاب نمونه معتاد از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین صورت که پژوهشگران کلیه نوجوانان معتاد را که در فاصله زمانی ۹ ماه پژوهش به کلینیک‌های ترک اعتیاد این شهر مراجعه کرده بودند را شناسایی و انتخاب نمودند. برای انتخاب نمونه غیر معتاد از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که از بین دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی، یک دبیرستان و یک مرکز پیش‌دانشگاهی به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس با مراجعه به آن مراکز از هر کدام دو کلاس بصورت تصادفی انتخاب شدند و پس از دریافت اسامی دانش‌آموزان بر اساس جدول تصادفی اعداد (جدولی که در آن به هرفرد یک عدد اختصاص داده می‌شود) ۵۰ دانش‌آموز از نظر سن، جنس و تحصیلات با آزمودنی‌های معتاد هم‌تا سازی و بعنوان نمونه انتخاب شدند.

## ابزار

۱- پرسشنامه شخصیتی نئو<sup>۱</sup>: این آزمون توسط کاستا و مک کری (۱۹۹۲) طراحی شده و داری ۶۰ عبارت است که پنج عامل بزرگ شخصیت، شامل روان‌نژندی در برابر ثبات هیجانی، برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، گشودگی به تجربه‌ها یا اندیشه‌ها، توافق در برابر تقابل و وجدانی بودن یا گرایش به کار را می‌سنجد. آزمودنی پاسخ مورد نظر خود را برای هر عبارت در مقیاسی ۵ گزینه‌ای

1. NEO personality inventory

(از کاملاً قبول تا کاملاً رد) ارائه می‌کند. این پرسشنامه در جامعه دانشجویان علوم انسانی و ایران دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است و با اندکی تفاوت دارای همان ساختار عاملی است که در کشورهای اروپایی و آمریکایی بدست آمده است (کیامهر، ۱۳۸۱). ضریب اعتبار با روش همسانی درونی برای عوامل روان رنجورخویی، برون‌گرایی، وجدانی بودن، توافق‌پذیری و انعطاف‌پذیری به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۷۸، ۰/۵۴، ۰/۶۱، بدست آمد (کیامهر، ۱۳۸۱). قراباغی (۱۳۸۲) ضریب اعتبار این پرسشنامه را با روش آلفا برای عوامل رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن را به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ گزارش کرد.

۲. پرسشنامه‌ی سبک‌های مقابله‌ای<sup>۱</sup>: این پرسشنامه که توسط لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) طراحی شده، شامل ۶۶ گویه است که بر پایه مقیاس چهار رتبه‌ای لیکرت تنظیم شده است. این پرسشنامه هشت روش مقابله را ارزشیابی می‌کند که در نهایت در دو سبک کلی مساله محور (جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مشکل‌گشایی برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت) و هیجان محور (رویارویی، دوری‌گزینی، فرار-اجتناب و خویشتن‌داری) تقسیم می‌شوند. لازاروس (۱۹۹۳) ثبات درونی مقیاس‌ها را از  $\alpha=0/66$  تا  $\alpha=0/79$  را برای هر یک از سبک‌های مقابله‌ای ذکر کرده است. زین العابدینی (۱۳۸۳) و هاشم‌زاده (۱۳۸۵) اعتبار این آزمون را به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۹ را بدست آوردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۲ بدست آمد.

### یافته‌ها

در این پژوهش، دو گروه از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، تحصیلات و جنسیت همگن بودند. به منظور بررسی تفاوت بین میانگین سن آزمودنی‌های دو گروه از آزمون t مستقل استفاده شد و نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین افراد معتاد و غیر معتاد از لحاظ سن وجود ندارد. همچنین به منظور بررسی ارتباط بین وضعیت آزمودنی‌ها



و میزان تحصیلات از آزمون خی دو استفاده شد و نتایج نشان داد که در این متغیر تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود ندارد و هر دو گروه همگن می باشند. میانگین و انحراف استاندارد نمرات دو گروه در ویژگی های شخصیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد ویژگی های شخصیت به تفکیک گروه

گروه	نوجوانان غیر معنادار	نوجوانان معنادار
ویژگی های شخصیت	میانگین (انحراف استاندارد)	میانگین (انحراف استاندارد)
روان نژندی	۲۹/۴۰ (۸/۹۶)	۳۷/۹۶ (۱۰/۲۳)
برون گرایی	۲۷/۳۶ (۶/۵۵)	۲۶/۴۴ (۶/۴۱)
گشودگی	۲۸/۸۱ (۸/۰۳)	۲۹/۵۳ (۸/۹۴)
توافق پذیری	۳۱/۶۷ (۶/۷۷)	۲۷/۰۶ (۵/۴۵)
وجدانی بودن	۳۳/۷۳ (۷/۲۱)	۲۷/۸۵ (۶/۴۶)

جهت تجزیه و تحلیل داده های مربوط به تفاوت بین دو گروه از نوجوانان از لحاظ ویژگی های شخصیتی، از روش تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) بهره گرفته شد. یکی از پیش شرط های آزمون مانو برابری واریانس های خطاست نتایج آزمون لون نشان داد در تمام زیر مقیاس های این شرط برقرار است.

جدول ۲: نتایج آزمون لامبدای ویلکز در تحلیل واریانس چند متغیره ویژگی های شخصیت

متغیرها	F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	معناداری
گروه	۱۴۸۴/۲۶	۵	۱۴۶	۰/۰۰۰۵

همانگونه که مشاهده می شود با توجه به  $P < ۰/۰۰۱$  و  $F = ۱۴۸۴/۲۶$  تفاوت معناداری بین ترکیب خطی ویژگی های شخصیتی با توجه به گروه معنادار و غیر معنادار وجود دارد. برای بررسی اینکه کدام زیر مقیاس ها باعث این تفاوت معنادار شده اند از آزمون تحلیل واریانس به شرح ذیل استفاده شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در ویژگی های شخصیتی با توجه به گروه

گروه ها	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
نوجوانان معنادار	روان نژندی	۲۷۷۹/۶	۱	۲۷۷۹/۶	۳۰/۰۳	۰/۰۰۰۵
نوجوانان معنادار	برون گرایی	۳۲/۲۳	۱	۳۲/۲۳	۰/۷۶	۰/۳۸۰
نوجوانان غیر معنادار	گشودگی	۱۹/۹۰	۱	۱۹/۹۰	۰/۲۷	۰/۶۰۰
نوجوانان غیر معنادار	توافق پذیری	۸۰۵/۹۲	۱	۸۰۵/۹۲	۲۰/۴۵	۰/۰۰۰۵
نوجوانان غیر معنادار	وجدانی بودن	۱۳۲۰/۴۲	۱	۱۳۲۰/۴۲	۲۸/۱۱	۰/۰۰۰۵

همانگونه که مشاهده می‌شود، بین دو گروه نوجوان معتاد و بهنجار در صفات شخصیت روان‌نژندی ( $F=30/03, p<0/001$ )، توافق‌پذیری ( $F=20/45, p<0/001$ )، و وجدانی بودن ( $F=28/11, p<0/001$ )، تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین دو گروه در صفات شخصیتی مندرج در جدول شماره ۱، مشخص می‌شود که گروه نوجوانان معتاد در صفت شخصیتی روان‌نژندی نسبت به گروه بهنجار در نمرات بالاتر و در صفات شخصیتی توافق‌پذیری و وجدانی بودن نمرات پایین‌تری اخذ نموده‌اند، ولی بین دو گروه در صفات شخصیتی برون‌گرایی و گشودگی تفاوت معناداری مشاهده نشد. میانگین و انحراف استاندارد نمرات دو گروه در سبک‌های مقابله‌ای در جدول ۴ ارائه شده است.

**جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد در سبک‌های مقابله‌ای به تفکیک گروه**

گروه‌ها	نوجوانان غیر معتاد	نوجوانان معتاد
سبک‌های مقابله‌ای	میانگین (انحراف استاندارد)	میانگین (انحراف استاندارد)
هیجان‌مدار	۴۱/۷۸ (۹/۳۵)	۵۲/۶۷ (۸/۵۵)
مساله‌مدار	۴۳/۶۶ (۱۰/۴۵)	۳۹/۲۳ (۸/۳۱)

برای مقایسه دو گروه در سبک‌های مقابله‌ای از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد بر این اساس به منظور تعیین معنی‌داری اثر متغیر مستقل بر سبک‌های مقابله‌ای از آزمون لامبدای ویلکز و برای بررسی پیش فرض برابری واریانس‌های سبک‌های مقابله‌ای در گروه‌های مورد پژوهش از آزمون لون استفاده شد که نتایج آزمون لون حکایت از برابری واریانس‌های خط داشت.

**جدول ۵: نتایج آزمون لامبدای ویلکز در سبک‌های مقابله‌ای با توجه به گروه**

متغیرها	F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	معناداری
گروه	۲۳۶۷/۰۷	۱۶	۱۳۵	۰/۰۰۰۵

همانگونه که مشاهده می‌شود با توجه به آنکه داریم، ( $F=2367/07$  &  $p<0/001$ )، بنابراین تفاوت معناداری بین دو گروه معتاد و غیر معتاد در ترکیب خطی سبک‌های مقابله‌ای وجود دارد.

برای بررسی اینکه این تفاوت از کجا حاصل شده است از آزمون تحلیل واریانس به شرح ذیل استفاده گردید.

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در سبک های مقابله ای با توجه به گروه

گروه	متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
نوجوانان معتاد	سبک مسئله مدار	۴۴۸/۱۶	۱	۴۴۸/۱۶	۴/۹۹	۰/۰۲
نوجوانان غیر معتاد	سبک هیجان مدار	۵۳۴/۳۷	۱	۵۳۴/۳۷	۶/۵۸	۰/۰۱

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود در سبک مسئله مدار تفاوت معناداری بین نوجوان معتاد و غیرمعتاد وجود دارد ( $F= ۴/۹۹, p<۰/۰۵$ )، همچنین در سبک هیجان مدار نیز این تفاوت معنادار دیده می شود ( $F= ۶/۵۸, p<۰/۰۱$ )، لازم بذکر است که نوجوان معتاد در سبک مقابله ای مسئله مدار نمرات پایین تر کسب نموده اند.

### بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های پژوهش حاضر نوجوانان معتاد در مقایسه با نوجوانان عادی در صفت شخصیتی روان نژندی در سطح بالاتری قرار داشتند که این یافته با نتایج پژوهش های صورت گرفته پیشین از جمله ون دام و همکاران (۲۰۰۵) و وناکن و همکاران (۱۹۹۸) همسو می باشد. خصیصه های همچون اضطراب، پرخاشگری، عصبانیت، تکانشگری، عواطف منفی، آسیب پذیری در برابر فشار روانی و سایر جنبه های مرتبط با روان نژندی می توانند به صورت منفی رفتار انسان را تحت تاثیر قرار دهند و زمینه بروز رفتارهای پر خطر همچون گرایش به سمت مصرف مواد را فراهم آورند (واتسون و کلارک، ۱۹۹۲). از سوی دیگر، این عواطف شکننده مانع سازگاری افراد می شوند به طوری که افراد دارای سطح روان نژندی بالا مستعد داشتن عقاید غیر منطقی بوده و کمتر قادر به کنترل تکانه های خود می باشند و بسیار ضعیف تر از دیگران با استرس کنار

می‌آیند (رولیسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). لذا با توجه به شرایط ویژه نوجوانان که بر اساس یافته‌های پژوهش اسایو<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در حدود ۵۰٪ از آنان تحت فشار عوامل ورزشی، درسی - یادگیری و مشکلات ارتباطی با خانواده و همسالان هستند. بدیهی به نظر می‌رسد که همراهی این عوامل فشار را با سطح بالای روان‌نژندی در نوجوانان معتاد نسبت به گروه عادی می‌تواند عاملی موثر در گرایش آنان به سمت سوءمصرف مواد باشد.

همچنین مقایسه نوجوانان معتاد و غیر معتاد در صفت توافق‌پذیری همسو با یافته‌های جان و همکاران، (۱۹۹۵)، هاوارد و هاوارد، (۱۹۹۸)، ون‌اکن و همکاران (۱۹۹۸) و ون‌دام و همکاران (۲۰۰۵) حاکی از پایین بودن سطح توافق‌پذیری در نوجوانان معتاد بود. استفان، لوین، کریس و جکسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) نشان دادند در افرادی که از صفت توافق‌پذیری پایینی برخوردارند رفتارهای تکانشی بیشتر، تحریک‌پذیری بالا و ثبات هیجانی کمتری مشاهده می‌شود. همچنین نمره پایین در این مقیاس با خودشیفتگی، ضد اجتماعی و اختلال شخصیت پارانوئید همراه است (کاستا و مک‌کری، ۱۹۹۰). بنابراین گرایش نوجوانان به سمت مصرف مواد بر اساس سطح توافق‌پذیری پایین به خوبی قابل تبیین است. یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد که در مقایسه با نوجوانان بهنجار، نوجوانان معتاد نمرات پایین‌تری در عامل وجدانی بودن کسب کردند که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ولراس و تارگرسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)، کردام و کراپیک (۲۰۰۱) و ون‌دام و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. وجدانی بودن با صفاتی چون کفایت، وظیفه‌شناسی، تلاش برای موفقیت، خویش‌تن‌داری و احتیاط در تصمیم‌گیری مشخص می‌شود که در این بین خویش‌تن‌داری یا کنترل‌تکانه به عنوان یکی از صفات اصلی وجدانی بودن خیلی مورد توجه تئوری‌های شخصیت و به خصوص روان‌پویایی قرار گرفته است (ناکانو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). کسانی که در این مقیاس نمرات

1. Rolison  
2. Essau  
3. Stanton, Levine, Chris & Jackson  
4. Vollrath & Torgerson  
5. Nakano

پایینی کسب می کنند اغلب در به کار گیری اصول اخلاقی زیاد دقیق نبوده و تلاش چندانی برای رسیدن به اهداف خود نشان نمی دهند. از سوی دیگر شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این افراد بسیار لذت گرا بوده و علاقه زیادی به امور لذت آور دارند (مک کری، کاستا و بوش<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). مطالعه لوکاس، کرول و کارل<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در خصوص رابطه ویژگی های شخصیت با رفتارهای پرخطر مثل سوء مصرف مواد و مصرف الکل، نشان دهنده ی ارتباط این رفتارهای پر خطر با نمره پایین در وجدانی بودن است. به اعتقاد زا کرمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) نمرات پایین در توافق پذیری و وجدانی بودن منجر به شکل گیری هیجان خواهی تکانشی می گردد که این ترکیب شخصیتی به طور ویژه، فرد را در معرض ارتکاب رفتارهای پر خطر قرار می دهد. بنابراین می توان هماهنگی با یافته های پیشین و یافته های پژوهش حاضر نتیجه گرفت که احتمالاً برخی نوجوانان به علت برخورداری از سطح پایین وجدانی بودن و به تبع آن عدم کنترل تکانه، در گرایش به رفتارهای پر خطر و سوء مصرف مواد آسیب پذیرترند.

مقایسه دو گروه از نوجوانان در سبک های مقابله با استرس نشان داد که نوجوانان گروه معتاد در سبک مقابله ای هیجان محور نمرات بالاتر و در سبک مقابله ای مساله محور نمرات کمتری کسب کرده اند. این یافته با نتایج مطالعه فرگوسن (۲۰۰۱)، فلتون و رونسون (۱۹۸۴)، اسمعیلی (۱۳۸۴)، ارجی (۱۳۸۷) و بیرامی (۱۳۸۹) همسو است. به عقیده فولکمن و لازاروس (۱۹۸۰) مقابله هیجان محور، معطوف به کنترل ناراحتی هیجانی بوده و به عوامل عاطفی مرتبط با آن موقعیت می پردازد نه به خود موقعیت. افرادی که از این سبک مقابله ای استفاده می کنند، به جای تمرکز بر مشکل و حل آن، بیشتر در پی آن هستند تا پیامدهای هیجان های منفی عامل استرس را مهار کنند، این افراد تحت تاثیرات این سبک، به جای مقابله از کنار مشکلات رد می شوند (بیرامی، ۱۳۸۹). راهبردهای

۹۹

99

مقابله‌ای هیجان محور در کوتاه مدت برای کاهش تنش مؤثر هستند اما در بلند مدت اثرات منفی دارند (برون فمن، لیوا، نگرونی و رودا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین مقابله ناکارآمد با عوامل استرس زا، پیامدهای همچون افسردگی، اضطراب، استفاده از مواد مخدر و الکل، رفتارهای جنسی نامشروع و پرخاشگری دارد (استین و نیماسی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

در خصوص تبیین این نتایج می‌توان بیان داشت که یکی از مشخصه‌های نوجوانی تغییرات سریع و فراگیر، تقریباً در تمام ابعاد زندگی است که احتمالاً به فشار روانی زیادی منجر می‌شود. یک نوجوان مانند یک بزرگسال تجربه کافی برای رویارویی و مقابله با احساسات ناشی از استرس‌ها و فشارهای روانی را ندارد به همین علت مواد مخدر را به عنوان داروی خود تجویزی در این شرایط فشارزا مصرف می‌کند. از طرفی همسو با نظریه‌های شناختی-رفتاری، وابستگی به مواد مخدر احتمالاً به طور غیر مستقیم پاسخی است در مقابل ناتوانی در برخورد با موانع و ناکامی‌های زندگی که بر فرد وارد می‌آید. افراد از این طریق سعی می‌کنند که دردها و مسائل درونی خود را کم کرده و یا تسکین دهند (کرایگ، نیومن و ویتاکو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). نوجوانان هر کدام سرشت ویژه‌ای دارند و ممکن است وقتی در موقعیت حل مساله قرار می‌گیرند، خشم و درماندگی زیادی تجربه کنند، لذا تمایل بیشتری دارند تا از مواد برای کنار آمدن با چنین فشارها و هیجان‌های استفاده کنند (فرانکن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹)، ترجمه شمس اسفند آباد و همکاران، ۱۳۸۴).

همچنین، می‌توان گفت که احتمالاً سهل‌انگاری‌های والدین در ارتباط با احتیاجات عاطفی فرزند در دوران بلوغ، نبود تکیه گاهی که نیازهای مراقبتی و رشدی او را برآورده سازد، والدین غیر پاسخگو، نبود همدردی مشترک در مواجهه با مسائل استرس‌زا، انتقادات

1. Bronfman, Leyva, Negroni & Ruda  
2. Stein & Naymathi  
3. Craig, Neuman & Vitacco  
4. Franken

بی‌شمار، انتظارات بی اندازه خارج از توان نوجوانان، عدم توانایی در برقراری ارتباط و کمبود مهارت‌های سازگاری با موقعیت‌های جدید، دست به دست هم داده و نوجوان را به سمت مصرف مواد مخدر می‌کشاند. تاثیر مواد مخدر فرد را به کشف این مساله هدایت می‌کند که وی قادر است درد و اندوه خویش را که نتیجه شکست و ناکامی در مواجهه با موقعیت‌های پر تنش و استرس‌زا می‌باشد را به کمک مواد مخدر تحت تاثیر قرار داده و بدین وسیله شرایط روحی‌اش را دگرگون سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با آموزش مهارت‌های زندگی اعم از مهارت‌های حل مساله، مدیریت استرس و آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط موثر گرایش نوجوانان به سمت مصرف مواد مخدر را کاهش داد. همچنین پیشنهاد می‌شود که در درمان معتادان یک ارزیابی شخصیتی گسترده از آن‌ها به عمل آید و ویژگی‌های شخصیتی رشد نیافته در افراد معتاد شناسایی شده و سپس در کنار درمان دارویی به این ویژگی‌ها نیز پرداخته شود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این مورد اشاره کرد که نقش عوامل اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی را مد نظر قرار نداده است زیرا این احتمال وجود دارد که نتایج پژوهش از این عوامل ذکر شده تاثیر پذیرفته باشد.

#### منابع

- ارجی، اکرم (۱۳۸۷). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، هیجان خواهی و راهبردهای مقابله در بیماران HIV مثبت معتاد و گروه بهنجار. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- اسمعیلی، احمد (۱۳۸۴). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله ای بیماران با اختلال وابستگی به مواد و گروه بهنجار. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز.
- بیرامی، منصور (۱۳۸۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله ای در دانشجویان داری پرونده در کمیته انضباطی دانشگاه با دانشجویان عادی. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، ۵ (۱۷): ۶۴-۴۷.

پورچناری، مرتضی؛ گلزاری، محمود (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۲ (۸): ۳۳-۵۴.

زین العابدینی، زهرا (۱۳۸۳). رابطه سخت رویی با شیوه‌های مقابله دانش‌آموزان دختر و پسر بخش کوهک قم. پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه پیام نور قم.

سروقد، سیروس؛ برزگر، مجید؛ بلاغی، طاهره (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد مرودشت. *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۲ (۳): ۱۰۲-۸۱.

فرانکن، رابرت ای (۱۳۸۴). *تگاهی به مسئله مواد مخدر و اعتیاد*. (ترجمه حسن شمس اسفندآباد و همکاران). تهران: نشر نی.

کیامهر، جواد (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج‌عاملی و بررسی ساختار عاملی در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

محمدخانی، شهرام (۱۳۸۵). *مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان ردر معرض خطر؛ ارزیابی اثر آموزش مهارت‌های زندگی بر عوامل.... مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله‌ای مجرمین و افراد بهنجار*. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

هاشم زاده، رقیه (۱۳۸۵). *بررسی و مقایسه سبک‌های مقابله‌ای و باورهای غیرمنطقی در طلاب و دانشجویان پسر شهرستان قم در سال ۸۴*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

Aldwin, C. M., & Revenson, T.A. (1987). Dose coping help? A reexamination of the relation between coping and mental health. *Journal of personality and social psychology*, 53, 348-377.

Anda, D., Javidi, M., Jefford, S., Komorowski, R., & Yanezal, R. (1991). Stress and coping in adolescence: A comparative study of pregnant adolescents and substance abusing adolescents. *Children and Youth Services Review*, 13, 177-182.

Ben-Zur, H., & Reshef, Y. (2003). Risk taking and coping strategies among Irish adolescents. *Journal of Adolescence*, 26(3), 255-265.

Blonigen, D.M. (2009). Explaining the relationship between age and crime: contribution from the development literature on personality. *Journal of clinical psychology review*, 15, 65-78.

Bronfman, M. N., Leyva, R., Negroni, M. J., & Ruda, C. M. (2002). Mobile populations and HIV/AIDS in central America and Mexico. *Research for action AIDS*, 16, 42-49.



- Casta, P. T. & McCrae, R. R. (1992). **NEO PI-R professional manual**. Odessa, FL: psychological Assessment Resources.
- Cazenave, N. & Michel, G. (2008). Risk-taking behavior and self-esteem regulations among adolescents: The parkour. **Annals Medico Psychologiques**, 166, 875–881.
- Collins, S. T. (2008). Statutory social workers: stress, job satisfaction, coping, social support and individual differences. **British Journal of Social Work**, 38, 1173–1193.
- Craig, S., Neumann, M. & Vitacco, A. (2003). Longitudinal assessment of callous/impulsive traits, substance abuse, and symptoms of depression in adolescent. **Annales New York Academy of Sciences, Issu**, 1008 Available at. <http://www.Cas.Unt.Edu/faculty/randa/faculty>.
- DeSimone, A., Murray, P. & Lester, D. (2004). Alcohol use, self-esteem, depression, and suicidality in high school students. **Journal of Adolescence**, 29 (116), 939–942.
- Elgar, J., Arlett, C. & Groves, R. (2003). Stress, coping and behavioral problems among rural and urban adolescents. **Journal of Adolescents**, 26, 574–585.
- Essau, C. A. (2004). Risk-taking behavior among German adolescents. **Journal of Youth Studies**, 7 (4), 499–512.
- Felton. B. G. & Revenson, T. A. (2004). Coping with chronic illness: a study of illness controllability and the influence of coping strategies on psychological adjustment. **Journal of counseling and clinical psychology**, 52, 343–353.
- Ferguson, E. (2001). Personality and coping traits: a joint factor analysis. **British journal of health psychology**, 6, 211–325.
- Folkman, S., & Lazarus, R. S. (1980). An analysis of coping in a middle-aged community sample. **Journal of health and social behavior**, 21, 219–339.
- Glantz, M. D. (1992). **Vulnerability to drug abuse: Introduction and overview**. Washington, DC: American Psychological Association.
- Hannah, R. & Nicola, S. (2003). Low emotional intelligence as a predictor of substance-use problems. **Journal of Drug Education**, 33, 391–398.
- Howard, O. J. & Howard, K. J. M. (1998). An introduction to five-factor model for personality for Human resource professionals. Accessed June 7th, 1999 at [www.Centacs.com/quik-pt3.htm](http://www.Centacs.com/quik-pt3.htm).
- Jaff, A. (2005). **Drug use and aggression: The effect of rumination and other person related variables**. California State University Long Beach Psychology.
- John, O.P., Caspi, A., Robina, R. W., Moffitt, T. E. & Stouthamer, M. (1995). The little five: exploring the nomological network of the five factor model of personality in adolescent boys. **Journal of child development**, 65, 160–178.
- Kardum, I. & Krapic, N. (2010). "Personality traits, stressful life events and coping styles in early adolescence. **Personality and Individual Differences** , 30, (503–515)
- Lazarus, R. S. (1993). Coping theory and research: past, present and future. **Psychosomatic Medicine**, 55, 243–247.
- Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1985). **Coping and adaptation**, Gilford Press.

- Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1984). **Stress, appraisal and coping**. New York: springer publishing company.
- Loukas, A., Krull, G. L., Carle, A.C. (2000). The relation of personality to alcohol abuse in high risk sample. **Journal of personality**, 68, 1153-1175.
- Lukasiewicz. M., Neveu. X., Blecha. L., Alissard. B, Reynaud. M. & Gasquet. I. (2008). Cognitive and behavioral effects pathways to substance-related disorder: a structural model approach exploring the influence of temperament, character, and childhood adversity in a national cohort of prisoners. **Alcohol an Alcoholism**, 43 (3), 287-295.
- Mc Crae, R. R., Costa, P.T., Bush, C.M . (1986). Evaluating comprehensiveness in personality systems. **Journal of personality**, 54, 436-445.
- Nakano, K. (2002). Role of Personality Characteristic in Coping Behaviors. **Psychological Report**, Des: 71 (3 pt 1): 687- 90.
- Pekrun, R., Goetz, Y., Titz, W. (2002). Academic emotions in self regulated learning and achievement: a program of qualitative and quantitative research. **Journal of educational psychology**, 37, 91-105.
- Rolison, M. R. (2002). Factors influencing adolescents' decisions to engage in risktaking behavior. **Adolescence Research**, 37(147), 585-596.
- Stanton, A. L., Tenen. H., Affleck, G. & Mendola, R. (2008). Coping and adjustment to infertility. **Journal of social and clinical psychology**, 11, 1-13.
- Stein, J. A. & Naymathi, A. (1998). Gender difference in relationship among stress, coping, and health risk behaviors in impoverished minority population, **Journal of personality and individuals differences**, 26, 141-157.
- Stephan, Z., Levine, T., Chris, J., Jackson, M. (2004). Eysenck theory of crime revisited: factors of primarydeales? **British psychological society**, 9, 135-152.
- Trinidad, D. R. & Johnson, C. A. (2002). The association between emotional intelligence and early adolescent tobacco and alcohol use. **Personality and Individual Differences**, 32, 95-105.
- Van Aken, M. A. G., Van Lieshout, C. F. M., Scholte, R. H. G. (1998). **The social relationships and adjustment of the various personslity types and subtypes**. Society of Research on Adolescent, San Diego, CA.
- Van dam, C., Janssens, J. M. A. M. & De Bruyn, E. E. J. (2005) PEN, Big five, juvenile delinquency and criminal recidivism. **Journal of personality and individual differences**, 39, 7-19.
- Vollrath, M., Torgerson, S. (2000). Personality types and coping. **Journal of Personality and Individual differences**, 29(2), 367-378.
- Watson, J., Clark, L. A. (1992). On traits and temperament: general and specific eactors of emotionl experience and their relation to the five factor model, **Journal of personality**, 60, 444-474.
- Wylie, M. S. (1990). **Family therapy's neglected prophet**. The Family Networker, Vol. 15(2), pp. 25-37.
- Zukerman, M. (1994). **Biological expressions and biosocial bases on sensation seeking**. new York: Cambridge university press.